

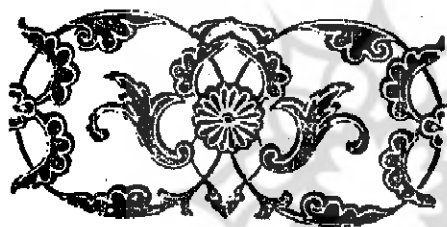
بسم الله الرحمن الرحيم

چند نکته درباره

عرضحال نیکاراگوئه به دادگاه لاهه

علیه آمریکا\*

(ترجمه و تحریر)



۱- در نهم آوریل ۱۹۸۴ نیکاراگوئه عرضحال خود را علیه آمریکا به دادگاه لاهه تقدیم نمود و طی آن درخواست کرد که دادگاه به اتهامات زیر رسیدگی کند :

الف - آمریکا ، باتوسل ، تحریک و تشویق ، تسلیح ، تجهیز ، تأمین مخارج و اداره عملیات نظامی و شبه نظامی در داخل نیکاراگوئه و علیه این کشور ، تعهدات قراردادی صریح خود و به ویژه منشور ملل متحد ( مواد ۲ و ۴ ) را که متضمن اصل عدم توسل به قوه قهریه در روابط بین المللی است و نیز مواد ۱۸ و ۲۰ منشور سازمان کشورهای آمریکا را که مؤید اصول عدم مداخله و مصونیت سرزمینهاست ، نقض کرده است .

ب - دولت آمریکا از مقررات حقوق بین الملل عمومی و حقوقی عرفی تخلف کرده است و در نتیجه :

- حاکمیت نیکاراگوئه را با حملات نظامی خود از طریق زمین و هوا و دریا و نیز با تجاوز به فضای دریائی و هوائی وی نقض کرده و در ارباب و تهدید حکومت نیکاراگوئه کوشیده ،

\* قسمت اعظم این نوشته ، ترجمه و تحریر مقاله « رودولف مارتارولو » Rodolfo Mattarollo استاد حقوق بین الملل در دانشگاه « لوئیس دوو - زاسورا » ( یوئوس آیرس ) است ( لوموند دیپلماتیک ، ژوئیه ۱۹۸۵ ) . دادگاه لاهه گزارش این شکایت و رأی ۲۶ نوامبر ۸۴ را جداگانه منتشر ساخته است . در یکی از شماره های آینده برای استناد دانشجویان و علاقمندان به حقوق بین الملل ، در صورت امکان ، با تفصیل بیشتر و اشارات دقیق تر به مسائل حقوقی ، از این ماجرا سخن خواهیم گفت . انشاء الله

- قوه قهریه و تهدید به اعمال قوه قهریه را علیه نیکاراگوئه به کار گرفته ،  
 - در امور داخلی نیکاراگوئه مداخله نموده ،  
 - اصل کشتیرانی آزاد و آزادی تجارت را نقض کرده ،  
 - و سرانجام شهروندان نیکاراگوئه را کشته و مجروح کرده و بازداشت نموده است .  
 در عرضحال مذکور ، نیکاراگوئه یادآور شده است که این عملیات همچنان ادامه دارد و در تاریخ تقدیم شکایت نتیجه هجوم آمریکای شمالی :
- بیش از ۱۴۰۰ کشته ، سه هزار مجروح و ۱۱۳ هزار مهاجر و آواره بوده است .  
 بیست هزار تن از این مهاجران ، ساکنان بندر کورینتو هستند که پس از آتش سوزی مخازن نفت ناگزیر به تخلیه محل گردیده‌اند . آتش سوزی سزبور در نتیجه اصابت موشک‌هایی بوده است که آمریکا تدارک دیده و در حمله‌ای که توسط وی برنامه ریزی شده ، بکار رفته‌اند .
- علاوه بر این ، مؤسسات تولیدی کشاورزی و پلها و فرودگاهها و لوله‌های نفت و تأسیسات تولید انرژی و مدارس و بیمارستانها ویران شده‌اند و خسارت ناشی از این تخریب‌ها بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار است . نیکاراگوئه بیان میکند که عملیات نظامی و شبه نظامی علیه وی ، صریحاً بموجب یکی از قوانین فدرال آمریکا مجاز شناخته شده است . بدین معنی که : در دسامبر ۱۹۸۳ بر اساس تقاضای ریگان کنگره آمریکا تصویب کرد ۲۴ میلیون دلار به « سیا » داده شود تا بطور مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیتهای نظامی یا شبه نظامی علیه نیکاراگوئه ، پشتیبانی بعمل آورد . یکماه پیش از تقدیم عرضحال ، ( مارس ۱۹۸۴ ) واحدهای ضد انقلابیون نیکاراگوئه به مهمترین حمله خود با شش هزار نفر ( به موجب تخمین نیکاراگوئه ) دست زدند ، و مقارن این حمله ، بنادر عمده کورینتو ، پوئرتو ساندینو ، ال بلوف ، مین گذاری شدند و پنج کشتی تجاری پاناما ، هلند ، انگلیس ، ژاپن و شوروی خسارت دیدند و حرکت بسیاری دیگر از کشتی‌ها بسوی بنادر نیکاراگوئه لغو گردید .
- ۲- برای متوقف شدن این وضعیت، نیکاراگوئه ازدادگاه خواست که برای اقدامات تأسیسی فوری دستور لازم صادر گردد .
- ۳- این تقاضا به سرعت قبول شد و موجب گردید دعوای مطروحه در تبلیغات بین المللی جا باز کند . دستور اقدامات تأسیسی یکماه پس از تقدیم عرضحال یعنی در دهم ماه مه ۱۹۸۴ صادر شد و دادگاه به اتفاق آراء - از جمله رأی قاضی آمریکائی - خواست که : « آمریکا بلافاصله به هر نوع عملی پایان بخشند که نتیجه‌اش تهدید یا محاصره بنادر نیکاراگوئه میباشد و یا بواسطه مین گذاری ، رفت و آمد به این بنادر را در معرض خطر قرار میدهد ، و از این پس نیز از اقدام به هر نوع عمل مشابه با این اعمال ، خودداری نماید . » اقدام دادگاه لاهه ، در واقع زیر پا گذاشتن یکی از ارکان حقوق عرفی بین المللی یعنی

چند نکته درباره عرضحال نیکاراگوئه به دادگاه لاهه / ۱۰۷

آزادی کشتیرانی را محکوم ساخته است .

اقدام تأسینی دیگر که توسط دادگاه لاهه با ۱۴ رأی موافق در مقابل یک رأی مخالف قاضی آمریکا - پذیرفته شد ، مقرر می‌داشت که حق حاکمیت و استقلال سیاسی نیکاراگوئه و حق دولتهای منطقه و جهان بطور کامل محترم شمرده شود و بهیچوجه و از هیچ را با « فعالیتهای نظامی و شبه نظامی که اصول حقوق بین الملل آنها را منع کرده اند . » در معرض خطر قرار نگیرد .

۴- سرعت کار و اتفاق نظر دادگاه در مورد اعلام تصمیم ۱۰ مه ۱۹۸۴ نشان میدهد که نظر قضات دادگاه نسبت به فعالیتهای اتانزونی ، که ثبات وضع نیکاراگوئه را برهم میزند ، نامساعد بوده است .

۵- سه روز پیش از تقدیم عرضحال نیکاراگوئه ، یعنی در ۶ آوریل ۱۹۸۴ ژرژ شولتز در نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که آمریکا بطور یکجانبه و فوری - و برای مدت دو سال آینده - شناسائی خود را در خصوص صلاحیت دادگاه لاهه برای رسیدگی به مرافعه‌هایی که با کلیه کشورهای آمریکای مرکزی دارد ، پس بگیرد این نامه که به طور یکجانبه قضاوت دادگاه را رد می‌کند ، به وضوح بیانگر آنستکه آمریکا در انتظار تصمیمی نامساعد از جانب دادگاه بوده و بدین وسیله درصدد برآمده است ، خود را از آثار آن مصون بدارد . نامه مزبور که در مرحله اول دادرسی مطرح شد ، وضع شرکت آمریکا را در جلسات به هاله‌ای از ابهام فروبرد ، اما سرانجام این ابهام در ۱۸ ژانویه ۸۵ برطرف شد . در این تاریخ واشنگتن از شرکت در جلسات کناره گرفت .

۶- در واقع این کناره‌گیری یا خروج از دادگاه با رأی ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴ در تعارض است زیرا به موجب این رأی دیوان در مورد قبول عرضحال نیکاراگوئه اعلام صلاحیت کرده است .

۷- دادگاه به نامه شولتز در مورد تجدیدنظر نسبت به تصمیم ۱۹۴۶ آمریکا و اعلام تعلیق فوری - و برای دو سال - قضاوت اجباری دادگاه لاهه در خصوص امور مربوط به آمریکای مرکزی اعتناء نکرد و آن را معتبر ندانست و خاطر نشان ساخت که : « سیستم شرط اختیاری » بودن قضاوت دادگاه ، که آمریکا آن را بطور ناگهانی رد کرده است ، ساخته و پرداخته شبکه‌ای از تعهدات است که در متن آن « اصل حسن نیت سهم و اثری اساسی و بنیادی دارد . »

در واقع دادگاه بطور ضمنی به این نکته اشارت میکند که اتانزونی « سوء نیت » دارد و نتیجه می‌گیرد که دستگاه ریگان نمی‌تواند در ۶ آوریل ، اعلامیه ۱۹۴۶ خود را به گونه‌ای تغییر دهد که اثری بلافاصله داشته باشد و با عرضحال نیکاراگوئه که سه روز پس از اعلام آن تقدیم شده است ، به مقابله برخیزد .

۸- اتازونی در دفاعیه خود کوشیده است که از بحث ماهوی بپرهیزد و به مسائل شکلی و صوری بپردازد. آمریکا به این مطلب تمسک جسته است که : ممکن است دادرسی لاهه در وضع سه دولت همسایه نیکاراگوئه ، یعنی السالوادور ، و هندوراس و کاستاریکا ، مؤثر باشد .

۹ - پاسخ دادگاه این است که چنانچه سه دولت مذکور خوف داشته باشند که از تصمیمات دادگاه متضرر شوند ، در هر لحظه ای که بخواهند میتوانند در دادگاه حاضر گردند . در مرحله اولیه دادرسی ، السالوادور بی آنکه توفیقی نصیبش شده باشد به این کار دست یازیده است و بار دیگر نیز ، هم این دولت و هم دو دولت دیگر میتوانند در بررسی مسائل ماهوی وارد شوند .

۱۰ - همچنین آمریکا یادآور شده است که دادگاه نه تنها برای رسیدگی صالح نیست ، بلکه عرضحال نیکاراگوئه نیز غیرقابل قبول است . این قسمت از لحاظ سیاسی و حقوقی مهمترین بحث سراسر دعوی را تشکیل میدهد . بنظر دستگاه ریگان مقررات منشور ملل متحد در خصوص استفاده از قوه قهریه ، اسکان حل و فصل حقوقی این مسأله را رد می کند و خواستار حل و فصل سیاسی آن است و انگهی کار حفظ صلح و امنیت بین المللی به موافقت نامه ها و یا سازمانهای منطقه ای ( ماده ۵۲ منشور ) سپرده شده است و گروه « کونتادورا » دقیقاً از همان نوع سازمانهای منطقه ای است که منشور آنها را پیش بینی نموده است .

این استدلال همراه با استدلال دیگری به این مضمون است ، که عرضحال نیکاراگوئه هم از لحاظ موضوع - بررسی این مطلب که آیا فعالیتهای آمریکا استفاده ناشروع از قوه قهریه و نقض صلح و یا حمله و هجوم است یا نه ؟ و هم از لحاظ وظیفه ای که در سیستم ملل متحد به عهده دادگاه است ، قابل قبول نمیشود . براساس این استدلال دادگاه باید اعلام نظر کند که آیا ماده ۵۱ منشور ملل متحد که ناظر به دفاع مشروع است ، در خصوص مورد ، قابل اعمال است یا نه ؟ زیرا به موجب منشور در این باب نقض انحصاری به شورای امنیت واگذار شده است .

۱۱ - دادگاه این استدلال را نیز رد کرد زیرا استدلال مذکور میخواهد « مفاهیم حقوق داخلی ناظر به تفکیک قوا را به جولانگاه حقوق بین المللی منتقل کند ، حال آنکه این مفاهیم نسبت به روابط موجود میان مؤسسات بین المللی که مأمور حل و فصل اختلافات اند ، اعمال نمیشوند » بنظر دادگاه مطرح بودن مسأله در برابر شورای امنیت موجب رد دخالت دادگاه نیست و ممکن است این دو رسیدگی ، بطور موازی پیش بروند ، مضافاً اینکه قضات قبول ندارند که مسأله مطروحه در برابر آنها ، مسأله هجوم یا درگیری مسلحانه به معنی ماده ۳۹ منشور ملل است ، بعکس غرض رسیدگی به « وضعیتی است که پذیرا و حتی مقتضی حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات میان دو دولت است و سرانجام قضات این نکته

چند نکته درباره عرضحال نیکاراگوئه به دادگاه لاهه / ۱۰۹

را یادآور شده‌اند که در دهه ۵۰ دولت آمریکا خود کوشش کرده است که در مورد هفت دعوی به دادگاه لاهه مراجعه کند و نه شورای امنیت، و شکایتش هم آن بوده است که هواپیماهایش مورد حمله نیروی هوایی نظامی کشورهای دیگر قرار گرفته‌اند.

بدین ترتیب دادگاه در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۴ با ۱۵ رأی موافق در برابر یک رأی مخالف قاضی آمریکائی، اعلام کرد که برای رسیدگی به دعوی صلاحیت دارد و نیز به اتفاق آراء نظر داد که عرضحال نیکاراگوئه قابل قبول است.

۱۲ - گفتیم که در ۱۸ ژانویه، پس از یک دوره طولانی شک و تردید، آمریکا تصمیم گرفت دادگاه را ترک کند معنی این رفتار روشن است زیرا وی نمی‌توانست هم در دادگاه به دفاع بپردازد و هم با شدت وحدت، از کنگره آمریکا، کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را بخواهد.

بطور کلی کشورهای که قضاوت دادگاه را نمی‌پذیرند از حضور در دادگاه امتناع می‌کنند. فرانسه در دعوی مربوط به آزمایشهای اتمی این موضع را اتخاذ کرد<sup>۱</sup> و مسأله در غیاب وی مورد بررسی قرار گرفت. اما آمریکا ابتداء در محکمه حاضر شد و سپس آن را ترک نمود. به موجب ماده ۳ اساسنامه دیوان « هنگامی که یکی از اطراف دعوی در محکمه حاضر نمیشود و یا از بیان دلائل خود امتناع می‌ورزد، طرف دیگر دعوی میتواند از دادگاه بخواهد، درخواستهای وی را مورد ارزیابی قرار دهد. بدیهی است که در این مورد نحوه کار دادگاه باید موافق با بند دوم همین ماده باشد که مقرر میدارد: دادگاه باید قبل از بیان نظر خود، در مورد صحت درخواستها از لحاظ موضوع و حکم اطمینان حاصل کند. »

۱۳ - دلائلی که آمریکا برای خروج از دادگاه ذکر کرده است شگفت‌انگیزند: یکی از آنها این است که آمریکا پیش‌بینی می‌کند که قضاوت دادگاه نامساعد است و احساس می‌نماید که « دادگاه مصمم است در این دعوی، مسأله را به نفع نیکاراگوئه، حل و فصل نماید» و نیز اتا زونی اعلام نمود که « به دادگاه اعتماد ندارد و اطلاعات آمریکا برای اثبات برنامه‌های پرخاشگرانه نیکاراگوئه، اطلاعاتی بی‌نهایت حساس‌اند و بیان داشت که: ما با عرضه مطالبی، تا این اندازه حساس، به عامه مردم یا در برابر دادگاهی که دو تن از تن قضات آن تبعه کشورهای پیمان ورشو هستند، امنیت خود را به خطر نمی‌افکنیم. این استدلال سخت نامربوط است، از آن جهت که آمریکا صلاحیت دادگاه لاهه را در خصوص همان موردی رد میکند که صلاحیت شورای امنیت را در باب آن میپذیرد، شورائی که اتحاد شوروی یعنی بنیاد گذار پیمان ورشو عضو دائمی آن است.

۱ - نگاه کنید به فصل نامه « حق » دفتر یکم، ص ۱۳۴ - ۱۳۳

۱۴ - رفتار پریچ وخم و تردید آمیز و حيله گرانه آمریکا ، در شش ماه اول سال جاری مسیحی در دادگاه ، بر پایه سیاست کلی وی در آمریکای مرکزی و سراسر جهان استوار است. میدانیم که مجلس آمریکا در ۱۲/ژوئن ۱۹۸۰ کمک ۲۷ میلیون دلاری به ضد انقلابیون را تصویب کرد و بدین ترتیب واضح گردید که واشگتن از اعمال فشار نظامی بر « ماناگوا » صرف نظر نکرده است . در دوره جنگ مالوئین ( آوریل ۱۹۸۲ ) نیز آمریکا با سازمان کشورهای آمریکائی رفتار تحقیر آمیزی داشته و قطعنامه های آن را صریحاً زیر پا نهاده است . هم چنین به تعبیر خود از « سیاسی شدن سازمانهای بین المللی بر ضد منافع دموکراسی غربی » نگران است و فعالیت کشورهای که با ابر قدرتها به ستیزه برخاسته اند ویرا به «راس افکنده است . سرچشمه شیوه رفتارش در برابر یونسکو را نیز باید در همین امر جستجو کرد .

در پایان مطلب یادآوری این نکته هم بجاست که مرحله دوم دادرسی مربوط به عرض حال نیکاراگوئه هم اکنون در جریان است و در ماههای آینده منجر به اعلام حکم دادگاه خواهد شد .

\* \*  
\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی